

جمهوری آذربایجان قدرتی در حال ظهور در قفقاز

سرویس آذربایجان/خبرگزاری آران
خبرگزاری آران / سرویس آذربایجان :

دکتر بهرام امیراحمدیان

جمهوری آذربایجان با مساحتی برابر 86/6 هزار کیلومتر مربع در شرق قفقاز واقع شده و نوار مرزی آن در ساحل غربی دریای خزر 456 کیلومتر است. بندر باکو بزرگترین شهر ساحلی دریای خزر با دو میلیون نفر جمعیت یکی از بزرگترین و قدیمی ترین شهرهای منطقه است. جمهوری آذربایجان هم از نظر موقعیت ژئوپلیتیکی و هم مکان جغرافیایی از اهمیت خاصی در منطقه قفقاز و دریای خزر برخوردار است که این موقعیت یگانه و تغییرناپذیر است.

میراث فرهنگی و معماری ملی و اسلامی جمهوری آذربایجان مهمترین عامل ثبات ملت جمهوری آذربایجان است. آذربایجان دومین کشور شیعه جهان است که با برخورداری از باور آذربها به اینکه خودشان ملت بزرگی هستند که سابقه دولتمداری در منطقه را دارا هستند، به آنان نوعی اعتماد به نفس داده است. میراثهای گرانبهای معماری و آداب و رسوم مردم آن در کنار تنوع فرهنگی و انواع غذاها، پوشاک و صنایع دستی متنوع و چشم اندازهای جغرافیایی متنوع این کشور را به موزه مردم شناسی تبدیل کرده است که همه ساله هزاران گردشگر خارجی را بخود جلب می کند که موجب شکوفایی اقتصادی می شود.

جمهوری آذربایجان پرجمعیت ترین کشور در میان جمهوری های قفقاز است. در سال 2008 جمعیت جمهوری آذربایجان به 8/7 میلیون نفر رسید که حدود 52 درصد آنها در شهرها زندگی می کنند. در آذربایجان 24 درصد و در ارمنستان 22 درصد جمعیت کمتر از 15 سال دارند. آذربایجان جمعیتی با ساختار جوانان دارد که به نیروی کار آموزش دیده تبدیل و در آینده آذربایجان نقش ارزنده ای ایفا خواهند کرد.

پیش بینی می شود جمعیت آذربایجان در سال 2025 به 9/7 میلیون و در 2050 به 11/6 میلیون نفر برسد. در مقابل جمعیت ارمنستان در حال حاضر 3 میلیون نفر است که در سال 2025 به 3/4 و در سال 2050 در همان حد باقی خواهد ماند و رشدی نخواهد داشت. امید به زندگی در بدو تولد در آذربایجان برای مردان 70 و برای زنان 75 سال است. اکنون جمعیت آذربایجان به تنهایی بیش از جمعیت دو جمهوری دیگر قفقاز (ارمنستان و گرجستان) است.

در سال 2007 در آذربایجان از تعداد کل شاغلان در بخش اقتصادی 70 درصد در بخش خصوصی فعال هستند. تعداد بیکاران 281 هزار نفر (6/5% فعال از نظر اقتصادی) بوده است که تنها 51 هزار نفر آنها ثبت شده اند.

جمهوری آذربایجان قدرتمندترین دولت منطقه قفقاز را داراست و قوی ترین ارتش منطقه را در اختیار دارد. این کشور با کمکهای غرب، پیشرفته ترین ارتش منطقه را در اختیار دارد.

ذخایر اثبات شده نفت خام آذربایجان در پایان سال 2008 برابر 7 میلیارد بشکه بوده است که حدود یک درصد ذخایر اثبات شده جهان را تشکیل می دهد. این کشور روزانه 914 هزار بشکه نفت تولید می کند که با صرفه جویی در مصرف در سال 2008 با 26 درصد کاهش مصرف، مصرف روزانه خود را به 71 هزار بشکه در 2008 رسانده است. ذخایر اثبات شده گاز آذربایجان در همین سال 1/2 تریلیون متر مکعب و تولید سالانه 14/7 میلیارد متر مکعب بوده است که در نتیجه این کشور به جرگه صادر کنندگان گاز منطقه تبدیل شده است

جمهوری آذربایجان که جمعیت آن از 7/7 میلیون نفر در سال 1995 به 8/7 میلیون نفر در سال 2008 رسیده است (با رشد سالانه حدود 1/1% در سال)، توانسته است طی این مدت تولید ناخالص داخلی خود را از 2/4 میلیارد دلار در سال 1994 به 46/3 میلیارد دلار در سال 2008 برساند. در عین حال درآمد سرانه از 319 دلار در سال 1995 به 5321 دلار در سال 2008 رسیده است (حدود هفده برابر افزایش).

دولت آذربایجان 22/7% از تولید ناخالص داخلی کشور را مصرف می کند و کسری بودجه آن سالانه کمتر از 1% بوده است. در سال 2007 در بخش صنعت 88/4%، در ساختمان 71/9%، در کشاورزی 99/8%، در تجارت 99/2% و در حمل و نقل 71/4% توسط بخش خصوصی تولید می شود. این شاخصها نشان دهنده موفقیت برنامه های خصوصی سازی اقتصادی بوده است. از سال 2003 تا کنون نرخ برابری منات در برابر دلار تقویت شده و پول ملی از قدرت با ثباتی برخوردار است.

در سال 2007 در آذربایجان حدود 5 میلیارد دلار سرمایه گذاری مستقیم صورت گرفته که در منطقه بی سابقه بوده است. در سال 2006 حجم تجارت خارجی آذربایجان برابر 11/7 میلیارد دلار بوده است (واردات 5266 میلیون دلار و صادرات 6372 میلیون دلار). در همین دوره رقم مربوط به ارمنستان 2/7 میلیارد دلار بوده است. در سال 2007 حجم تجارت خارجی 11/8 میلیارد دلار بود که شامل 6/1 میلیارد دلار صادرات و 5/7 میلیارد دلار واردات بوده است.

البته ناگفته نپیادست که سهم نفت در تجارت خارجی بسیار زیاد است و بدون دسترسی به درآمدهای نفتی این میزان تجارت خارجی ممکن نمی شد. چیزی که ارمنستان از آن محروم است. تجارت خارجی جمهوری اسلامی ایران در این دوره 117 میلیارد دلار بوده است. به سخنی دیگر می توان گفت که چون جمهوری آذربایجان جمعیتی برابر یک دهم ایران دارد، تجارت خارجی آن هم به اندازه یک دهم ایران است و هر دو کشور شیعه و صادر کننده نفت با شاخصهایی برابر در حال توسعه هستند.

به این ترتیب جمهوری آذربایجان به قدرتی تاثیر گذار در منطقه خود تبدیل شده است. بهره برداری از چاههای نفتی که در سال 1995 به نام پروژه بزرگ قرن نام گرفت، با افتتاح خط لوله باکو-تفلیس-جیهان، و خط لوله انتقال گاز باکو - تفلیس ارزروم، درآمدهای سرشاری را نصیب دولت آذربایجان کرده و رشد تولید ناخالص دو رقمی آن در سالهای اخیر ناظران را متحیر کرده است. ایجاد آرامش در سایه ساختار قدرتمند دولت مرکزی و تقویت موقعیت حزب ینی آذربایجان (حزب هوادار دولت) است که زمام امور کشور را در اختیار دارند.

حدود 23 درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور سرمایه گذاری صورت می گیرد. چند سال متوالی است که آذربایجان رشد بی نظیر سالانه دو رقمی را تجربه می کند و در سال 2008 رشد آن نسبت به سال قبل 10/8 درصد بوده است. از موفقیتهای مهم جمهوری آذربایجان کاهش رشد جمعیت و تنظیم خانواده است که اکنون به 1/1 درصد رسیده است. از اینرو می توان گفت که سهم تولید ناخالص سرانه سال بسال افزایش خواهد یافت.

در شهر باکو گفته می شود که بیش از 400 برج اداری و مسکونی سربرافراشته یا در حال ساخت هستند. چهره پایتخت کشور نسبت به سالهای آغازین دهه 1990 کاملا دگرگون شده است. امروزه شهر باکو به مرکز سرمایه گذاری شرکتهای خارجی و دولتهای متعدد غربی تبدیل شده است. زمانی آذربایجان بشدت نیازمند کمکهای ایران بود و خود را وابسته به ایران می دید اما اکنون اوضاع دگرگون شده است. سرمایه گذاری در صنعت نفت و انرژی چهره کشور و ساختار اقتصادی، اجتماعی و در نهایت سیاسی آن را دگرگون کرده است.

به همین سبب آذربایجان قصد آن دارد که با تکیه بر متحدان منطقه ای و فرامنطقه ای و ساختارهای قدرتمندی که از درآمدهای نفتی بدست آورده است، به ایفای نقش بپردازد. در این راستا و در شرایط کنونی آذربایجان تا کسب قدرت قابل قبول و آمادگی کافی، قصد رویارویی نظامی با ارمنه قره باغ را ندارد که از سال 1994 حدود 20 درصد خاک آن را تجزیه و اعلام استقلال کرده اند. بودجه نظامی آذربایجان سال بسال در حال افزایش است.

نیروهای نظامی آن با استانداردهای اروپایی نوسازی و آموزش دیده می شوند. آن طور که گفته می شود شاید آذربایجان زودتر از گرجستان و ارمنستان به ناتو بپیوندد. از اینرو

باکو به مرکزی رفت و آمد و بازدیدهای سران جهان و مقامات بلند پایه جهانی تبدیل شده است. کنفرانس های بین المللی، دیدار های رسمی، برگزاری جشنواره ها و کنگره های جهانی، و دیگر اقدامات دولت جمهوری آذربایجان در راستای ایفای نقش بیشتر در منطقه و جهان، نشان از اراده باکو برای بین المللی شدن دارد. انتخاب باکو به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام در سال 2009 از سوی آیسيسكو و یونسکو، نشان از پتانسیلهای آذربایجان در مناسبت های مهم جهانی دارد. در عرصه سیاست های داخلی هم آذربایجان گام های مهمی برداشته است و توانسته است با تکیه بر درآمدهای نفتی زیرساخت های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، بهداشتی و آموزشی خود را دگرگون و در راه های توسعه گام بردارد.

اکنون جمهوری آذربایجان آن کشور کوچک و فقیر جنگ زده نیمه نخست دهه 1990 نیست و با همان ادبیات آن دوره نمی توان با آن گفت و گو کرد. اکنون جمهوری آذربایجان نه تنها تهدیدی احساس نمی کند، بلکه می خواهد با تکیه به قدرت اقتصادی و پشتوانه شرکت های که در آنجا سرمایه گذاری کرده اند، سیاست خارجی مستقلی را در پیش بگیرد. طبیعی است که رئیس جمهور آذربایجان آقای الهام علی یف تجربه دولتمداری را هم در خانواده و از پدر و هم در دانشگاه های مسکو فراگرفته و عملکرد چشمگیری در دوره اول ریاست جمهوری داشته است. اقدامات عمرانی و رفاهی دولت آذربایجان که در سایه درایت های رئیس جمهوری و در کنار افزایش قیمت نفت در سال های اخیر بدست آمده است آذربایجان را به کشوری پیشرو تبدیل کرده است. ساخت و ساز زیر بناها و خدمات عمومی که مردم از آن بهره می گیرند، سبب افزایش قدرت دولت و حکومت شده است. تعداد دیگری از کشورهای نفت خیز در منطقه وجود دارند که نه تنها از افزایش درآمدهای نفت برای رفاه مردم بهره نبردند، بلکه درآمدهای سرشار نفت به ایجاد بحران های سیاسی و اقتصادی کشورشان نیز دامن زد. از اینرو مقایسه آذربایجان با سایر کشورهای مشابه نشان می دهد که در جمهوری آذربایجان عزم عمومی برای توسعه وجود دارد و مردم به این باور رسیده اند که می توانند برنامه های توسعه ای خود را دنبال کنند.

کمتر کشوری را در محیط بین الملل می توان یافت که با وجود بحران تمامیت ارضی بتواند بسوی توسعه زیر بناها گام بردارد. اکنون آذربایجان به درجه ای از قدرت در تمام زمینه ها (ثروت، صنعت، آموزش، علم و فرهنگ، نیروهای مسلح) رسیده است که می تواند با بسیج جوانان خود جبهه قره باغ را براحتی فتح کرده و حاکمیت خود در این منطقه به اعاده کند، اما دولتمردان آذربایجان بخوبی بر این امر واقفند که صلح بد بهتر از جنگ خوب است. جنگ برنده ای ندارد و حتی طرف پیروز هم شکست خورده است. اکنون جهان جهان گفت و گو و مفاهمه است. جنگ به انسان های عقب افتاده تعلق دارد. جامعه آذربایجان و ارمنستان از جوامع پیشرفته و مدنی هستند. در سیاست خارجی آذربایجان اعاده حاکمیت بر قره باغ از راه مذاکره و زبان دیپلماسی مطرح است و در این راه آذربایجان موفقیت های بسیاری در عرصه بین الملل کسب کرده است. زمانی نخواهد کشید که

آذربایجان در اثر توسعه به کشوری مهم تبدیل خواهد شد و در آن زمان ساکنان ارمنی قره باغ خودشان با میل و رغبت به آغوش آذربایجان بازخواهند گشت. زیرا یک واحد سیاسی خودمختار و توسعه یافته و مرفه در ترکیب جمهوری آذربایجان (جمهوری خودمختار قره باغ کوهستانی)، بسیار جذاب تر از یک واحد سیاسی مستقل ضعیف و فقیر است (جمهوری خودخوانده ناگورنو قره باغ). سازمان های مردم نهاد (NGO)، هنرمندان، نویسندگان، شعرا، موسیقیدانان، خوانندگان مردمی و ملی، اساتید دانشگاهها، نمایندگان پارلمان و شخصیت های مستقل علمی و فرهنگی هر دو جمهوری آذربایجان و ارمنستان پتانسیلهای آن را دارند که قفقاز را به بستر همکاری های علمی، فرهنگی، هنری، صنعتی و گردشگری تبدیل و منطقه ای بدور از تنش های قومی و کج فهمی تبدیل کنند. آن روز دیر نیست. باب گفت و گو همیشه باز است. روشنایی پشت در است، در را بگشایید.

استاد دانشگاه های تهران و کارشناس روابط بین الملل و مسائل ژئوپلیتیکی